

[تفصیل مرحوم نائینی بین مخصص لفظی و لبی 1](#_Toc96272859)

[اشکال اول استاد به مرحوم نائینی 1](#_Toc96272860)

[اشکال دوم استاد به مرحوم نائینی 2](#_Toc96272861)

[تفصیل مرحوم صدر در شبهه مصداقیه مخصص 2](#_Toc96272862)

[اشکال استاد به مرحوم صدر: خارج بودن تفصیل مذکور از محل بحث 3](#_Toc96272863)

[خلاصه مباحث 4](#_Toc96272864)

[ارتفاع اجمال خاص به وسیله تمسک به عام 4](#_Toc96272865)

[دوران امر بین تخصیص و تخصص 5](#_Toc96272866)

**موضوع**: بررسی کلمات /تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص لبی /عام و خاص

# تفصیل مرحوم نائینی بین مخصص لفظی و لبی

بحث در تتمه کلام مرحوم نائینی در تفصیل بین مخصص لفظی و لبی بود. ایشان در مخصص لبی یک تفصیل اضافه ای غیر از تفصیل مرحوم آخوند که آن را قبول کرد، داشت. در لبی فرمود: گاهی اوقات ما به یک عنوانی می­رسیم که از عوارض و خصوصیات موضوع است در این صورت فرقی بین لبی و لفظی نیست و موضوع حجیت ضیق می­شود لذا انطباق بر مشکوک محرز نیست. گاهی اوقات هم به ملاکات می­رسیم که ملاکات حیثیت تقییدی­یه موضوع نیستند و در موضوع احکام اتخاذ نشده­اند. در این صورت موضوع عنوان پیدا نمی­کند بلکه حیثیات تعلیلیه­ی حکم هستند. از طرفی ملاکات به ید مولا است. وقتی که مولا عام یا مطلقی گفته است و فرد مشکوک را شامل می­شود تمسک به عام می­کنیم. عمل به عام در مشکوک لازم است و همان بیان مرحوم آخوند در اینجا می­اید که اگر عبد مشکوک را ترک کند و بعد معلوم شد ملاک را داشته است و عذر بیاورد که شک داشتیم، مستحق عقاب است. مولا می­گوید تو چکار به ملاکات داری.

لبّ تفصیل مرحوم نائینی همان حرف مرحوم شیخ انصاری است ولی آن را توضیح داده است که در چه موارد عام عنوان پیدا می­کند و در چه مواردی عنوان پیدا نمی­کند.

## اشکال اول استاد به مرحوم نائینی

فرمایشات مرحوم خویی در مورد کلام مرحوم نائینی بیانی کردیم و نتیجه این شد که حرف مرحوم نائینی درست است یعنی ملاکات به عام عنوان نمی­دهد ولی مع ذلک تمسک به عام در شبهه مصداقیه به این معنا که در موردی شک داریم ملاک دارد یا نه، (خاص ما که عنوان ندارد تا بگوییم شبهه مصداقیه خاص) باز هم تمسک به عام جایز نیست زیرا هر چند که ملاک تضییق آور نیست و ملاک حیثیت تقییدیه نیست ولی کاشف از عدم فعلیت حکم هست. کاشف از این است که حکم در آن موردی که عام شاملش شده است، ملاک ندارد حکم فعلی نیست و خالی از غرض است و حکم به داعی بعث و زجر نیست. هر چند که وجوب اکرام همه علما را جعل کرده است ولی در موردی که ملاک ندارد حکم فعلیت ندارد. یک ضیق ذاتی پیدا می­کند.

در حقیقت بعد از ادراک عقل می­فهمیم که مراد جدی مولا (نسبت به حکم) در جایی است که ملاک داشته باشد. در جایی که ملاک ندارد مراد جدی هم ندارد. این مقدار از عهده مخصص لبی بر می­اید. دقت کنید: منظور این نیست که در مقام جعل انشا ضیق شده است.

موردی که ملاک ندارد مراد جدی نیست حالا از این باب که موضوع را هم در مقام انشا ضیق کرده باشد یا این که موضوع را مقید نکرده باشد ولی ضیق ذاتی دارد. در عدم تمامیت فرقی نیست که موضوع را تقیید بزند یا نسبت به مصادیقی از موضوع اراده جدی از حکمش نداشته باشد لذا گفتیم بر مبنای مرحوم آغا ضیا که موضوع ضیق نمی­شود تمسک جایز نیست چرا که ما شک داریم نسبت به مشکوک مولا اراده جدی دارد یا نه، در صورت شک حجت ناتمام است.

نتیجه: فرمایش مرحوم نائینی که می­گوید ملاکات تقیید نمی­زند درست است ولی مفید فایده نیست.

## اشکال دوم استاد به مرحوم نائینی

این که مرحوم نائینی گفت: به خاطر این که ملاکات به ید شارع است پس تطبیق هم به ید شارع است. ما قبول کردیم در جایی که مولا تطبیق کرد، تطبیق مولا مقدم بر شک مکلف است. مرحوم نائینی از کلماتش استفاده می­شود که ملاکات ربطی به مکلف ندارد پس تطبق به ید شارع است و هر جا تطبیق به ید شارع بود و ما شک کردیم، مرجع عموم عام است. این مطلب درست است ولی چیزی که برای تمسک به عام در شبهه مصداقیه مفید است، مولا تطبیق هم بکند، نه این که تطبیق به ید او باشد. این همه ما قضایای حقیقیه داریم و ملاک آنها به دست شارع است ولی تطبیق نکرده است.

اگر در جایی مولا تطبیق کرد مثل قضایای خارجیه، درست است و تطبیق مولا مقدم است ولی در قضایای حقیقیه که بنا بر تفسیر ایشان موضوع فرض وجود شده است، تطبیق نشده است.

# تفصیل مرحوم صدر در شبهه مصداقیه مخصص

مرحوم صدر بین جایی که خاص مجعول شرعی باشد و بین جایی که مجعول شرعی نباشد، تفصیل داده است. اگر مجعول شرعی نباشد مثل لا تکرم فساق العلما، فساق علما موضوع است و یک امر خارجی و تکوینی است که ربطی به شارع نیست. در این جا عنوان به موضوع حجیت می­دهد و موضوع ضیق می­شود وتمسک جایز نیست. ایشان هم قائل به تعنون است چه لفظی و لبی.

اگر خاص به ید شارع باشد مثل این که یک عامی داریم کل ماء مطهر. یک مخصصی دارد، البته نه به این صورت که مثلا فرموده باشد الماء المتنجس لا یطهر. اگر گفته باشد الماء المتنجس لا یطهر، تطبیق را به ید عبد قرار داده است و تمسک به عام جایز نیست. در این صورت عام تخصیص زده می­شود و معنایش کل ماء لیس بمتنجس است.

حالا شما از راه قرائن مثل تناسب حکم و موضوع فهمیدید آب متنجس نمی­تواند طهارت بیاورد و شارع چیزی نگفته است و ما در یک آبی شک کردیم که پاک است یا نجس. در این جا می­توان به آب تمسک کرد. با این که قرائن کشف کرد که آب پاک مطهر است. ایشان مثال به آب معدن زده است. شک داریم که این آب پاک است یا نجس. اگر نجس است داخل در مخصص لبی است که لا یطهر. طهارت و نجاست به ید شارع است. در حقیقت ما یک شبهه حکمیه هم داریم. یعنی اولا ما نمی­دانیم آب معدن پاک است یا نجس. ثانیا این شبهه حکمیه منشا شبهه موضوعیه می­شود. یعنی اگر طاهر باشد داخل در کل ماء مطهر می­شد و اگر نجس باشد داخل در مخصص است. در این موارد کل ماء مطهر، هر آبی مطهر است و یکی از انها آب معدن است، در نتیجه طاهر است.

لبّ این مطلب به نکته مرحوم نائینی رجوع می­کند. می­گوید: وقتی که کل ماء مطهر را می­گوید و به دست شارع هم هست کأنّ بر این فرد مشکوک هم تطبیق می­کند. ظاهر خطاب تطبیق است. هر چند که قضیه حقیقیه است و ربطی به آب خارجی ندارد.

## اشکال استاد به مرحوم صدر: خارج بودن تفصیل مذکور از محل بحث

به ذهن می­آید که همین گونه باشد. شک داریم که طاهر قرار داده است یانه، وقتی که گفت هر ابی را طاهر قرار داده است پس این فرد هم این گونه است.

اما تحلیل مطلب: به ذهن می­آید که از باب تطبیق نیست و ما تطبیق را احساس نمی­کنیم. تطبیق در قضیه حقیقیه خلاف ارتکاز است بلکه نکته آن این است که ما شک در اصل تخصیص داریم. خود ایشان شرط کرده است که علم به خروج یک موردی نداشته باشیم و الا نمی­توان به عام تمسک کرد.

الان که می­گوید کل ماء مطهر، اگر آب معدن را نجس قرار داده بود پس موضوع ضیق می­شد اما اگر نجس قرار نداده باشد کل عام به عموم خودش باقی است لذا ما شک در اصل تخصیص داریم. در اصل این که اراده بعضی از افراد شده است، شک داریم. این احتمال هست که اصلا اراده مولا ضیق نشده باشد.

مرحوم صدر صحیح می­گوید که در جایی که در این موارد شک داشته باشیم تمسک به عام می­کنیم ولی نکته آن شک در اصل تخصیص بودن است. اگر بنا باشد هیچ ابی نجس نباشد، پس اراده مولا اصلا ضیق نیست. البته ممکن است جعل کرده باشد و اراده ضیق شده باشد لذا ما در اصل تضیق اراده شک داریم و در نتیجه شک در اصل تخصیص است که مرجع ما عموم عام است.

نتیجه: تفصیل مرحوم صدر خروج از محل بحث است. محل بحث ما این است که تضییقی محقق شده است حالا یا در ناحیه موضوع یا در ناحیه حکم؛ ولی شک داریم که داخل عام است یا خاص.

## خلاصه مباحث

خلاصه: شبهه مفهومیه چهار قسم داشت که تمسک به عام جایز نیست مگر در مفهوم مردد بین اقل و اکثر و منفصل. در شبهه مصداقیه تمسک ناتمام است بلا فرق بین این که قضیه حقیقیه باشد یا خارجیه و بلا فرق بین این که مخصص لبی باشد یا لفظی. علی ای حال تمسک به عام در شبهه مصداقیه ناتمام است. تفصیل بین قضیه خارجیه و حقیقیه صحیح نبود. تفصیل بین لفظی و لبی ناصحیح بود. تفصیل بین لبی و لبی که مرحوم نائینی مطرح کرد، ناتمام است. به نظر ما اگر قاعده میرزائیه تمسک به عام را حل کرد فهو و الا تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص نادرست است.

# ارتفاع اجمال خاص به وسیله تمسک به عام

مرحوم آخوند در تتمه کلامش می­فرماید: در مواردی که تمسک به عام در شبهه مصداقیه جایز است و ما به عام تمسک می­کنیم از خود ظهور عام، حال خاص را روشن می­کنیم و از مشتبه بودن خارجش می­کنیم. اگر گفت: اکرم العلما و بعد گفت لاتکرم فساق العلما و فساق شبهه داشت و در مرتکب صغیره به عام رجوع کردیم پس مرتکب صغیره فاسق نیست و مثلا می­توان به او اقتدا کرد.

ما از شمول عام کشف می­کنیم که داخل در مخصص نیست چرا که لازمه وجوب اکرام فرد مشکوک همین است که مرتکب صغیره فاسق نیست. از طرفی لوازم اصول لفظیه هم حجت هستند.

در شبهه مصداقیه هم این گونه است. اگر گفت: اکرم جیرانی و شک کردیم که زید از اعداء است مرحوم آخوند گفت عام مرجع است. از شمول اکرم جیرانی کشف می­کنیم که مشتبه عدو نیست و الا وجوب اکرام نداشت.

## دوران امر بین تخصیص و تخصص

یک نکته ای در اینجا وجود دارد و در ابتدا باید بررسی شود. یک بحثی در دوران بین تخصیص و تخصص وجود دارد: بعضی قائل هستند به این که اصل تخصص است. مثلا مولا گفته است: اکرم العلما و بعد گفت: زید را اکرام نکن. ما شک داریم که زید عالم است تا تخصیص باشد و یا جاهل است تا اکرم العلما تخصیص نزده باشد. در این جا اصل تخصص است. زیرا اصاله العموم می­گوید تخصیص در کار نیست پس تخصص است. با نفی تخصیص لازمه آن اثبات تخصص است.

مخالفین گفته اند: اصل تخصص نیست و ما چنین اصلی نداریم. شما نمی­توانید به اصاله العموم تمسک کنید و بگویید اصل عموم است پس زید جاهل است و تخصصا خارج است.

دو نکته در این جا وجود دارد که در جلسه بعد مورد بررسی قرار می­گیرد.